

تحولات تاریخی کتاب گویا

گروه کارنامه نگاری کتاب گویا^۱

کم بینایان، سالخوردگان و به ویژه مبتلایان به بیماری پارکینسون، خانم‌های خانه‌دار، افرادی که همیشه با اتومبیل در سفراند و زبان‌آموزان، برای تقویت مهارت‌های شنوایی یک زبان، می‌توانند از کتاب گویا، به عنوان رسانه‌ای قابل اعتماد، بهره‌جویند.

به ویژه افرادی که به دلیل ابتلاء به بیماری‌های شنوایی و تمرکز، نمی‌توانند روی متن تمرکز ذهنی داشته باشند.

تحولات جهانی: دانشمندان مسلمان در قرون نخستین اسلامی برای هر چیز چهار نوع وجود قائل بودند. مثلاً می‌گفتند این صندلی دارای چهار نوع وجود است. لفظ صندلی یک نوع وجود دارد و آن وجود لفظی و گفتاری است. وجودی هم در خارج و وجود دیگر در ذهن و وجودی هم به صورت کتابت و نوشتاری دارد. این چهار وجود را با نام‌های لفظی، خارجی، ذهنی و کتبی نام‌گذاری کرده بودند. و تمامی اشیاء حاکم هستی را مشمول این قاعده می‌دانستند. هر یک از اینها را با قوه‌ای و حسی درک می‌کنیم. یعنی مدرک و شناسنده این چهار نوع وجود هم چهار نوع است. یک لفظ صندلی را با گوش؛ صندلی در خارج را با تصور، صندلی در ذهن را با درک عقلی و بالاخره صندلی کتبی را با دیدن و چشم می‌شناسیم. دانشمندان مسلمان در منابع منطقی و فلسفی این مبحث را به تفصیل مطرح کرده‌اند. نیز در اکثر کتابخانه‌های مهم بغداد، نیشابور، اندلس و جاهای دیگر در قرون ۴ تا ۸ق، سماع و شنیدن به عنوان یک روش برای کسب دانش مطرح بوده است. اما در آن زمان به دلیل عدم پیشرفت تکنولوژی، انسان‌هایی نقش‌گوینده را داشتند و کسان دیگر به عنوان شنونده، سماع می‌نمودند. اما در سده بیستم امریکایی‌ها با بسط و توسعه گفتار و گویایی در تولید کتاب به نتایج جدید دست یافتند و توانستند بخشی از نیازهای اجتماعی را مرتفع نمایند. نیز در اروپا و استرالیا هم کتاب گویا به دلیل نیازمندی به آن رشد کرد. در استرالیا جمعیت کم و پراکندگی جمعیت زیاد بود و عملاً تجمیع بچه‌ها و برگزاری کلاس درس امکان‌پذیر نبود. از اینرو شبکه رادیو مسئولیت آموزش را بر عهده گرفت و دانش‌آموزان به روش مجازی سرکلاس حاضر می‌شدند. معلمین هم در رادیو درس می‌گفتند و متن درسی آنها، کتاب گویا بود.

پدیده‌ای که امروزه به نام کتاب گویا شناخته می‌شود، دو جنبه گفتاری یا گویایی و شنیداری یا شنوایی دارد و دارای تضایف مفهومی است. از یک نظر با حس شنوایی سروکار دارد و به نام کتاب شنیداری (Audio Book) است و از طرف دیگر با گفتار و سخن گفتن ارتباط دارد و کتاب گویایی یا Talking Book است.^۲

کتاب گویا، ابتدا برای نابینایان ولی بعداً توسط عموم مردم استفاده شده است. انواع رسانه‌های صوتی از قبیل صفحه، نوار، دیسک و CD می‌توانند آن را اجرا کنند. به وسیله دستگاه‌های مختلف مثل ضبط و پخش صوت، فلشر، MP و کامپیوتر قابل استفاده است. هدف از ضبط کتاب گویا، انتقال متن کامل یک کتاب یا نوشته روی یک حامل صوتی است؛ به گونه‌ای که برای افرادی که قادر به خواندن نیستند قابل درک و شنیدن باشد. از اینرو، بین کتاب گویا و یک نمایش‌نامه رادیویی و یا نوار قصه، تفاوت‌های اساسی وجود دارد؛ زیرا معمولاً کتاب گویا توسط یک نفر خوانده می‌شود که لحن او نیز چندان احساساتی نبوده و بیش‌تر به کتابخوانی با صدای بلند شبیه است.

بدیهی است تمام کتاب‌هایی که منتشر می‌شوند، امکان گویاشدن ندارند. از این رو، همواره سیاست‌ها و معیارهایی برای انتخاب کتاب‌هایی که قرار است گویا شوند، در نظر گرفته می‌شود. معمولاً متونی که برای ضبط انتخاب می‌شوند، باید به لحاظ ادبی غنی بوده و قابلیت ضبط داشته باشند.

افراد بسته به علاقه و ذائقه ادبی خود، ممکن است طرفدار گونه‌های مختلف ادبی باشند. از این رو، در گویاکردن آثار ادبی باید به این تنوع در سلیقه توجه کرد. البته به دلیل محدودیت در امکانات، این انتخاب باید از میان آثاری که جوهره ادبی کافی دارند، انجام شود. سرمایه‌گذاری روی آثار ضعیف و کم‌ارزش، جز اتلاف آن سرمایه، نتیجه دیگری نخواهد داشت.^۳

امروزه کاربرد کتاب گویا، منحصر به افراد نابینا نیست.

۱. این گروه به مدیریت خانم ضیائی‌فر در دفتر فرهنگ معلولین شکل گرفته است. وظیفه این گروه، گردآوری اطلاعات، اسناد و مدارک کتاب گویا و تدوین چند اثر مرجع درباره کتاب گویا است.

۲. دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ص ۱۳۵۱.

۳. تصویری گویا از کتاب گویا، ص ۴۴.



از اینرو مدارس رادیویی در این حوزه پیشقدم بودند؛ مدارس رادیویی راه افتاد و مخاطب بدون این که معلم خود را ببیند، تنها با شنیدن صدای آموزگار، درسهایش را می‌آموخت. البته دروس عینی مثل فیزیک و شیمی بهتر از دروس تخیلی و ذوقی و احساسی مثل ادبیات نتیجه می‌داد. این سؤال همواره مطرح بوده که کتاب‌های ادبی را چگونه باید اجرا کرد؟ به

هر حال مدارس رادیویی استرالیا، کتاب گویا را توسعه داد و به دیگر کشورها صادر کرد.

انجمن کتابداران امریکا، تحقیقی در سال ۱۹۲۹م انجام داد و مشخص شد کم‌تر از ۱۵ درصد افراد نابینا، توانایی و مهارت لمسی برای خواندن خط بریل و لذت بردن از کتاب خواندن را دارند. در پاسخ به نیاز نابینایان، دکتر روبرت اروین، مدیر اجرایی بنیاد نابینایان امریکا، برنامه‌ای را برای ضبط کتاب روی صفحه‌های گرامافون شروع و اصطلاح «کتاب گویا» (Talking Book) را نیز برای این نوع کتاب انتخاب کرد. البته پیش از آن هم فکر گویا کردن کتاب‌ها روی صفحه‌های گرامافون، در جلسات انجمن کتابداران امریکا مطرح شده بود، اما چون هزینه‌های انجام این کار بسیار بالا بود، اجرای آن به تعویق افتاد. حتی پس از شروع برنامه دکتر اروین (که خودش هم نابینا بود)، همواره به فکر یافتن راه‌هایی برای کاهش هزینه‌های تولید کتاب گویا بودند. بالاخره در سال ۱۹۳۱م، کنگره امریکا به بررسی کتاب گویا پرداخت و تصویب کرد که به این پروژه کمک کند. یعنی این پروژه جزء برنامه‌های ملی کشور امریکا شد و دولت موظف به اجرای آن گردید. و در سال ۱۹۳۲ کتاب گویا عملاً تولید شد. در سال ۱۹۳۵، رئیس جمهور وقت امریکا، بودجه نسبتاً خوبی را به تولید کتاب‌های گویا اختصاص داد و کتابخانه کنگره امریکا، مسئول انجام این پروژه شد. به این ترتیب، سایر کتابخانه‌های ملی و محلی نیز این کتاب‌ها را از کتابخانه کنگره امریکا دریافت کرده، به نابینایان امانت می‌دادند. در طول سال‌های بعد، در عین حال که سرمایه بیش‌تری به این کار تخصیص می‌یافت، تلاش‌هایی نیز برای کاستن هزینه ضبط کتاب‌ها و ارتقای کیفیت و نیز انطباق آن‌ها با استانداردها انجام شد. اندک اندک دستگاه‌ها نیز پیشرفته‌تر شده، صفحه گرامافون جای خود را به محمل‌های دیگر و سرانجام به نوار کاست داد. در اندک فاصله زمانی، فعالیت‌های گسترده‌ای برای

تولید کتاب گویا، توسط سایر مؤسسات در اقصی نقاط جهان آغاز و پس از مدتی، حتی متن برخی مجله‌ها نیز روی نوار ضبط شد. این مجله‌ها که اغلب از میان نشریات و پرترفدار انتخاب می‌شدند، مجله‌های گویا (Talking Magazines) نامیده شدند.

حادثه دیگر که به توسعه کتاب گویا کمک کرد، پروژه هارینگتون در زمینه شناسایی قبایل بومی امریکا بود. در سال ۱۹۳۳ جی. پی هارینگتون که در رشته مردم‌شناسی کار می‌کرد، امریکای شمالی را در نوردید تا تاریخ قبایل بومی امریکایی را روی دیسک‌های آلومینیومی با استفاده از گرامافونی که با برق اتومبیل کار می‌کرد ضبط کند. در جریان اجرای این پروژه تجارب سودمندی کسب شد. کتاب سخنگو چند سال بعد همان سنت قصه‌گویی که هارینگتون سال‌ها پیش تحقیقاتی درباره آن را انجام داده بود، زنده کرد. تا اینکه در سال ۱۹۳۵، پس از آن که کنگره تصویب کرد کتاب‌های سخنگو برای شهروندان نابینا به رایگان ارسال شود، تحول جدیدی به وقوع پیوست و پروژه «کتاب برای نابینایان بزرگسال» به طور جدی دنبال می‌شد.

در سال ۱۹۴۱، در ضبط چند کتاب گویا، از جذابیت‌هایی مثل موسیقی استفاده شد. برای مثال، در کتابی که درباره زندگی موتزارت بود، قطعاتی از موسیقی پیانو نیز ضبط شد؛ یا در کتابی درباره طبیعت و غریزه پرندگان تألیف شد البته همراه با صدای آوای آواز آنها.

این کار به ویژه از آن نظر که مخاطب اصلی این کتاب‌ها نابینایان بودند، کمک زیادی به درک فضای کتاب و انتقال برخی مفاهیم می‌کرد.

در این زمان کشف دیگری شد و معلوم شد با این روش می‌توان در آموزش و تدریس و انتقال مفاهیم استفاده کرد. مثلاً برای آموزش زبان و مکالمه بسیار مؤثر بود. چون، کتاب‌های گویا ابزار مناسبی برای انتقال نوع صدا یا نوع گفتن کلمه محسوب می‌شوند.



علمی و آموزشی تولید می‌کرد. مثل آموزش زبان خارجه. البته برخی نابینایان که تمکن مالی داشتند، معلم خصوصی استخدام می‌کردند. معلم با خواندن کتاب امکان آموختن را فراهم می‌آورد. راه دیگر برای نابینایان، فراگیری به وسیله متون بریل بود. تولید مواد خواندنی مناسب برای نابینایان ایران به روش بریل، به کم‌تر از صدسال پیش باز می‌گردد. اولین بار عده‌ای از ارامنه اصفهان، برخی کتاب‌ها را به بریل برگرداندند. اما نخستین مؤسسه‌ای که رسماً برای خدمت به نابینایان تأسیس شد، مؤسسه‌ای بود که دکتر خزائلی، در دهه چهل بنیانگذاری کرد. در سال ۱۳۴۹ ش، دولت مؤسسه ملی بهزیستی نابینایان را تأسیس کرد که بعدها با همکاری انجمنی که دکتر خزائلی بنیان نهاده بود، به تهیه و توزیع کتاب‌های بریل و گویا برای نابینایان اقدام کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس سازمان بهزیستی کشور، مؤسسه ملی نیز به «سازمان بهزیستی خدمات نابینایان رودکی» تغییر نام داد.

سازمان رودکی، ابتدا کتاب‌های درسی مدارس را نیز ضبط می‌کرد، اما بعدها حوزه خدمات آن تنها برای بزرگسالان و در حیطه کتاب‌های غیردرسی مشخص شد و تولید کتاب‌های درسی به صورت گویا و بریل، به سازمان کودکان استثنایی که وابسته به وزارت آموزش و پرورش است، واگذار گردید.

حدود دو دهه، سازمان رودکی فعال‌ترین تشکیلات در عرصه تولید کتب گویا و بریل بود. ولی در حال حاضر، یکی از تولیدکننده‌های کتاب گویا در کنار چندین شکل دیگر است. به ویژه در عرصه بزرگسالان و کتب عمومی فعال است. ضبط کتاب را توسط گویندگان حرفه‌ای یا داوطلب، در استودیو و یا بدون استودیو انجام می‌دهد. کتابخانه گویای رودکی یکی از غنی‌ترین کتابخانه‌های گویا بوده است ولی سال به سال از منابع آن کاسته می‌شود. رودکی به جز این کتابخانه، دو کتابخانه دیگر، یکی مختص کتاب‌های بریل و دوم شامل کتاب‌های بینایی در اختیار دارد. کتابخانه بینایی در حقیقت، منبع اصلی گویندگان و نابینایان برای انتخاب و ضبط کتاب است. متأسفانه این کتابخانه در منابع بسیار که درباره نابینایان و نابینایی در جهان به زبان‌های مختلف مثل عربی، فرانسه و انگلیسی منتشر می‌شود، خالی است. نیز کتاب‌های گویا که در مراکز جهان تولید شده، اغلب در این کتابخانه به چشم نمی‌خورد.

از طرفی، مدرسه نابینایان خزائلی، با کمک سازمان

در سال ۱۹۵۲ اهمیت کتاب گویا برای کودکان و نوجوانان بیشتر معلوم شد. به این ترتیب، کتاب گویا از انحصار بزرگسالان خارج و کتاب‌های کودکان و نوجوانان نیز به چرخه کتاب‌های گویا وارد شد. زیرا کودکان را باید با «روش مادری» یا سخن گفتن آموزش بدهند.

از اینرو ابتدا برخی از کتاب‌های آموزشی و درسی روی کاست پیاده شد و به دنبال آن کتاب‌های ادبی و داستان و حکایات ارائه شدند. در سال ۱۹۷۰ شرکت کتاب گویا شروع به اجرای طرح اجاره کتاب صوتی کرد و خدمات فروش محصولات خود را به کتابخانه‌ها توسعه داد. به این ترتیب کتاب گویا هر چه بیشتر جایگاه خود را میان مردم باز کرد و طرفداران بسیاری یافت. در اواسط دهه ۱۹۸۰ نشر کتاب گویا، فعالیت با گردش مالی بالغ بر چندین میلیارد دلار در سال داشت. سپس با پیدایش لوح فشرده و سی‌دی، طرفداران آثار صوتی بیشتر شد.

با پیدایش کامپیوتر و بعداً اختراع اینترنت و نیز پیدایش شبکه‌های ماهواره‌ای، کتاب گویا هم از هر نظر متحول شد. چون با توسعه اینترنت، تکنولوژی‌های ارتباطی، فرمت‌های جدید فشرده صوتی و دستگاه‌های پخش صوتی MP3 که به راحتی قابل حمل هستند، محبوبیت کتاب‌های سخنگو به شکل شگفت‌انگیزی رو به افزایش گذارد. این رشد با دسترسی به خدمات دانلود کتاب‌های گویا شدت یافت. همگانی شدن دستگاه‌های پخش موسیقی نیز کتاب‌های سخنگو را برای عموم افراد قابل دسترس‌تر ساخت. در خارج از کشور با توجه به اهمیتی که برای فرهنگ‌سازی مطالعه قائل هستند این موضوع را از دوران کودکی پی می‌گیرند و از روش‌های گوناگونی هم بهره می‌برند، به طور نمونه در کشور آلمان کتاب‌های شنیداری در سبدهای خوارکی کودکان عرضه می‌شوند. این انتشاراتی‌ها در تهیه این عناوین به این مسأله توجه شده که کودکان فارغ از سن و جنس خود بتوانند کتابی انتخاب کنند که هم سرگرمشان کند و هم محتوای آن برایشان جذاب باشد. هنوز کتاب گویا به انتهای سرمنزل مقصودش نرسیده و به نظر می‌رسد در همه کشورها به ویژه جهان پیشرفته در سال‌های آینده شاهد پیشرفت‌های بیشتر در این زمینه باشیم.

تحولات در ایران: تا قبل از تولید کتاب گویا در مؤسسه خزائلی یا مؤسسه ملی بهزیستی نابینایان در دهه چهل شمسی، نابینایان هیچ منبعی برای مطالعه به صورت شنیداری نداشتند فقط گاه بیگاه به رادیو گوش می‌دادند. زیرا مدیریت رادیو برای رعایت حال آنان، گاه برنامه‌های



کودکان استثنایی، به تولید کتاب‌های درسی گویا برای تمام دانش‌آموزان نابینا اقدام و برای انجام این مهم، استودیوهای ضبط کتاب نیز دایر کرد.

اما نه مؤسسات پیشین که نام برده شد و نه سایر مؤسساتی که بعدها در زمینه تولید کتاب گویا فعال شدند، مانند «کتابخانه عمومی حسینییه ارشاد» و «مؤسسه نهادگذاری مطالعات علمی و پژوهشی گویا»، هیچ‌یک، وظایف تخصصی مثل گویاسازی منابع ادبیات کودکان یا گویاسازی منابع دینی، یا گویاسازی نشریات تخصصی برای خود قائل نبودند. به عبارت دیگر تقسیم کار دقیق وجود نداشت و اکثر مؤسسه‌ها به کارهای تکراری رو آورده و از پروژه‌های سخت رویگردان بودند.

در سال‌های اخیر، یک ناشر ایرانی (نشر ماه‌ریز) نیز به تولید کتاب گویا در قالب نوار کاست اقدام کرد. اگر چه تعداد این نوارها در حال حاضر دو یا سه عدد بیشتر نیست، از این حیث که این نوارها دقیقاً به نام کتاب گویا منتشر می‌شوند، دارای اهمیت خاصی هستند. زیرا این آثار از ابتدا، به منظور گویاشدن، ترجمه و تدوین می‌شوند و امتیاز تکثیر آن‌ها نیز در انحصار ناشر است.

نیز در دو دهه اخیر ناشران و مراکز دیگری به گویاسازی روی آورده‌اند و این حرفه توسعه قابل توجه داشته است. مؤسسه نوین کتاب گویا با مدیریت فاطمه محمدی که نقش فعالی در گویاسازی داشته، یکی از این مراکز است. برخی از مهم‌ترین آثاری که توسط این مرکز گویا شده عبارت است از:

آتش و بال پروانه از عارفانه‌های خواجه عبدالله انصاری با گویندگی مسیحا برزگر، یک عاشقانه آرام از نادر ابراهیمی با گویندگی پیام دهکردی، چهار میثاق (خودشناسی و خودیاری) اثر دون میگوئل روییز با گویندگی نیما رئیسی، نیروی حال (پاسخ به پرسش‌های معنوی) اثر اکهارت تول با گویندگی مسیحا برزگر، شیوه‌های مدیریت: استیو جابز (مدیریت) اثر جی الیوت با گویندگی میکائیل شهرستانی، قورباغه را بخور! (مدیریت زمان) اثر برایان تریسی با گویندگی مهدی بقاییان، کیمیایگر (رمان، ۶ عدد سی دی) اثر پائولو کوئلیو با گویندگی محسن نامجو، یک روز دیگر (رمان) اثر میچ البوم با گویندگی میکائیل شهرستانی، حسنگ وزیر (بخشی از تاریخ بیهقی) با گویندگی اردلان ضرغام، و ما نیز آنها بودیم (داستان) اثر کیانوش کاکاوند با گویندگی سعید بحرالعلومی، پیامبر و رازهای دل (عارفانه) اثر جبران خلیل جبران با گویندگی

مسیحا برزگر.

کتاب‌های تو تویی؟! (داستانهای کوتاه الهام بخش اثر امیر رضا آرمیون) با گویندگی الهه گل‌پری، علیرضا ناصح، تنور و داستان‌های دیگر (مجموعه داستان) اثر هوشنگ مرادی کرمانی با گویندگی شاهین علایی‌نژاد، قصه‌های کلیله و دمنه اثر مهدی آذر یزدی با گویندگی نیما کرمی، قصه‌های مرزبان نامه اثر مهدی آذر یزدی با گویندگی علیرضا محمدی، قصه‌های سندباد نامه و قابوسنامه اثر مهدی آذر یزدی با گویندگی داریوش فائزی، قصه‌های مثنوی مولوی اثر مهدی آذر یزدی با گویندگی شاهین علایی‌نژاد، قصه‌های قرآن اثر مهدی آذر یزدی با گویندگی مصطفی رحماندوست، قصه‌های شیخ عطار اثر مهدی آذر یزدی با گویندگی شبنم مقدمی، قصه‌های گلستان و ملستان اثر مهدی آذر یزدی با گویندگی سهیل محزون، قصه‌های چهارده معصوم اثر مهدی آذر یزدی با گویندگی مسیحا برزگر، ولت ده تایی قصه‌های خوب (پکیج جدید) اثر مهدی آذر یزدی با گویندگی گروهی از گویندگان.

نشر نوین کتاب گویا آثار فوق را برای گروه سنی نوجوان یا بزرگسال تولید کرده و کتاب‌هایی هم برای گروه سنی کودک تهیه کرده که عبارتند از: پنج تا انگشت بودند (قصه و ترانه) اثر مصطفی رحماندوست با گویندگی مصطفی رحماندوست، قصه‌های من و مامان (قصه و ترانه) اثر ویولت رازق پناه با گویندگی نورا ممتازی، قصه‌های من و مامان ۲ (قصه و ترانه) اثر ویولت رازق پناه با گویندگی نورا ممتازی، بر بال آرامش (مراقبت برای کودکان) اثر مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا با گویندگی رکسانا مهرافزون.

همانطور که از تعداد عناوین گویاشده در نشر نوین پیدا است، این مرکز دارای کارنامه وزینی است و توانسته در این زمینه تحولات جدی ایجاد نماید.

از تلاش‌های دانشگاه‌های کشور در این زمینه نباید غفلت کرد. زیرا همه دانشگاه‌ها تعدادی نابینا داشتند و آنان معمولاً تشکلی ایجاد کرده‌اند. نخستین اقدام این تشکل‌ها، اخذ امکانات از ریاست دانشگاه برای گویاکردن متون درسی بود. دانشگاه اصفهان از دیگران پیش‌قدم و با سابقه‌تر است. شخص نابینایی به نام محمد سمیعی، انجمن نابینایان را در این دانشگاه تأسیس کرد و گاه تا هشتاد عضو نابینا داشت. این انجمن با مشارکت خود روشندان و اهتمام آنان منابع بسیاری را گویا نمود آن‌هم آثار مرجع مثل تاریخ طبری. البته متناسب با فناوری و

بوده است. خطمشی این مرکز گویاسازی عمدتاً برای کودکان و نوجوانان است. کارنامه و فعالیت‌های این مرکز در همین مجله معرفی شده است.

سیر کتاب گویا در ایران را در یک نمودار اینگونه می‌توان نشان داد:

دهه چهل شمسی: آغاز گویاسازی منابع عمومی در مراکز دولتی یا وابسته به دولت.

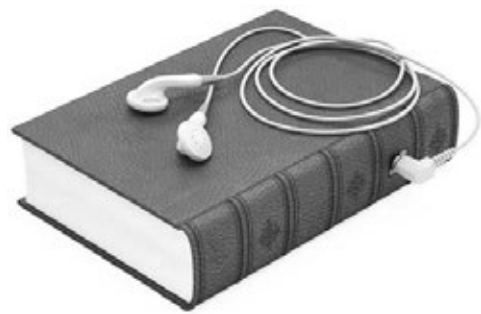
دهه پنجاه و شصت: توسعه کتاب گویا در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی؛ ورود ناشران خصوصی کوچک به عرصه کتاب گویا جهت عموم مردم.

دهه هفتاد و هشتاد: اهتمام مراکز دولتی برای گویاسازی؛ ورود مراکز انتشاراتی به کتاب گویا و توسعه کتاب گویا برای عموم مردم.

دهه هشتاد و نود: شکل‌گیری مؤسسات خیریه دینی و اقدام آنان به گویاسازی منابع دینی؛ فعال شدن نشریات دینی و اجتماعی برای گویاسازی متن نشریه و عرضه همراه نشریه.

نمودار مزبور، نشانگر جریان کلی و با چشم‌پوشی از استثناها و جریان‌های کوچک است.

کارآیی و اهمیت: کتاب گویا در ایران در عرصه‌ها همیشه مهم بوده و هیچگاه کارآیی و تأثیر خود را از دست نداده است. کتاب گویا در آموزش زبان دوم مثل آموزش زبان انگلیسی، حدود شش دهه سابقه دارد و هیچگاه فراگیری و توسعه آن کاهش نیافته است. زیرا همیشه متقاضی داشته است. مهاجرت‌گروها و اقشار در رخدادهای مهم و عمومی به خارج از کشور و نیز سیر رفت و آمد زائران و جهانگردان به زبان‌آموزی و تولید متون شنیداری بر آموزش زبان از عوامل مؤثر در توسعه کتاب گویا بوده است. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جهانگردان بسیار به ویژه از کشورهای غربی به ایران می‌آمدند. افراد مرتبط و مشاغل در ارتباط با جهانگردان تلاش می‌کردند، زبان آنها را بدانند تا مثلاً برای فروش کالا به آنان مشکل نداشته باشند. از اینرو به سراغ متون گویایی آموزش زبان می‌رفتند. پس از پیروزی انقلاب و گسترش روابط و مناسبات با کشورهای سوریه و عراق؛ نیز ازدیاد حجاج، زائران برای آموختن زبان عربی به سراغ متون گویایی آموزش زبان می‌رفتند. علاوه بر آن، در چند نوبت مهاجرت به دیگر کشورها و نیز از عراق و افغانستان به ایران افزایش یافت. افزایش مهاجرت با ازدیاد رویکرد به زبان‌آموزی و گسترش متون گویایی آموزش زبان در ارتباط تنگاتنگ است.



امکانات زمان خودشان کار می‌کردند. به عنوان نمونه با ضبط صوت و روی نوار کاست ضبط می‌کردند و چون امکانات ویرایش فنی نداشتند، کیفیت کارها بسیار نازل و گاه قابل شنیدن نیست. با این حال آنان سنگ بنایی را گذاشتند که بعداً توسعه یافت.

در سال‌های اخیر مؤسسه امام رضا(ع) به ریاست آقای محمد عبداللهیان اقدامات گران‌سنگی در این زمینه داشت. به ویژه جای خالی منابع قرآنی گویا را تا حدی جبران کرد. این مؤسسه چند مجله قرآنی منتشر می‌کند و یک نشریه به سبک بریل دارد. نیز یک مجله قرآنی به نام بینات به روش بینایی و همراه با CD گویایی هم منتشر می‌کند. نیز برای گویاسازی مجموعه آثار مرحوم مرتضی مطهری و مجموعه آثار استاد محمد رضا حکیمی تلاش‌های جدی داشته است. در مجموع کارها و تلاش‌های این مؤسسه، تا حدی خلأهای کتاب گویا در عرصه علوم قرآنی و منابع اسلامی شیعی را پر کرده است.

دفتر فرهنگ معلولین از مهرماه ۱۳۹۰ کارش را آغاز کرد. این دفتر وابسته به مؤسسه جهانی آل‌البیت لاحیاء التراث می‌باشد. از ابتدای تأسیس کار گروه ویژه برای کتاب گویا و نیز استودیو و دیگر امکانات مورد نیاز فراهم آورد و خطمشی مدون و منظمی را آغاز کرد. مدیریت بخش کتاب گویا در این مؤسسه، خانم ضیائی‌فر از نابینایان فعال در ایران است. این گروه تا کنون حدود چهار هزار ساعت از منابع مهم و مرجع را گویا نموده است. مهم‌تر اینکه فقط به کتاب اکتفا نکرده و گویاسازی را به نشریات آکادمیک بسط داده و شیوه‌های ابتکاری مثل مجموعه‌سازی منابع گویا را اجرا کرده است.

خطمشی این دفتر تأمین منابع مورد نیاز معلولین در زمینه علوم اسلامی - انسانی در سراسر جهان است و کار به دست خود توان‌یابان و معلولین عزیز اجرا می‌گردد. نشریه حاضر بسیاری از کارهای گویای این مرکز را معرفی کرده است.

کتابخانه آیت الله خامنه‌ای در قم به مدیریت آقای حسن عبدلی، مرکز دیگری است که در عرصه کتاب گویا فعال



عامل و متغیر دوم که در گسترش کتاب گویا مؤثر بوده، کودکان و نوجوانان می‌باشند. این قشر برای فراگیری مفاهیم اولیه در فرهنگ فارسی و نیز برای یادگرفتن زبان دوم و نیز یادگرفتن مفاهیم علوم و فنون و مهارت‌ها نیاز مبرم به کتاب گویا دارند. کتاب گویا ابزار بسیار مهم در آموزش و پرورش آنها است. البته ساختار و سبک کتاب گویای این قشر با کتاب گویای با کتاب گویای دیگر اقشار متفاوت است. این نوع کتاب گویا با تکرار، آهنگ و شعرهای ساده فهم، یا با قصه، آداب اجتماعی و اخلاقی را به آنها یاری می‌دهد.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۵۰، مرکزی برای تهیه نوار موسیقی و قصه برای بچه‌ها تأسیس کرد که نام آن، مرکز تهیه نوار و صفحه برای کودکان و نوجوانان بود. گرچه این مرکز این فعالیت را مشخصاً برای کودکان نابینا پایه‌گذاری نکرده بود، به هر حال می‌توان از آن به عنوان اولین مرکزی که برای کودکان مواد شنیداری تولید می‌کرد، نام برد. نخستین محصول این مرکز، نوار ماهی سیاه کوچولو صمد بهرنگی بود که توسط خسرو برنوش که در آن زمان تهیه کننده رادیو بود، تولید شد. اداره این مرکز بعدها به احمدرضا احمدی سپرده شد و توسط او گسترش یافت. «شماری از قصه‌هایی که کانون به صورت کتاب منتشر می‌کرد، به صورت صفحه و بعداً نیز کاست منتشر شد، از قبیل گل اومد، بهار اومد از منوچهر نیستانی، ماهی سیاه کوچولو از صمد بهرنگی و لی‌لی حوضک از م. آزاد با موسیقی خانم قراچه‌داغی».

از جمله تولیدات دیگر این مرکز، مجموعه‌هایی بود که تحت عنوان صدای شاعر منتشر می‌شد. در این مجموعه‌ها شاعرانی مانند احمد شاملو و مهدی اخوان ثالث، اشعار خود را بازخوانی و ضبط می‌کردند. همچنین بود مجموعه زندگی و آثار که در حقیقت، ترجمه آثاری بود که به همین شکل در اروپا منتشر شده بود و بعدها زندگی و آثار موسیقی‌دان‌های ایرانی نیز به آن افزوده شد. تقریباً قسمت عمده این فعالیت‌ها، پس از انقلاب اسلامی متوقف شد و دیگر ادامه نیافت. در عوض پس از انقلاب، خط‌مشی جدید پیدا کرد و تلاش کرد منابع مذهبی و انقلابی را گویاسازی کند. هر چند برخی از این آثار ضعیف بود و تأثیر منفی داشت.

انتشارات ابتکار نیز در سال ۱۳۵۹، فعالیت جدیدی را در عرضه مواد شنیداری آغاز کرد. تولیدات نشر ابتکار، از آن نظر اهمیت دارد که بخش عمده‌ای از آن، مشخصاً

برای کودکان و نوجوانان تهیه شده است. مواردی مانند سازده کوچولو با ترجمه و صدای احمد شاملو، دن کیشوت (متن ساده برای نوجوانان) با صدای سیروس ابراهیم‌زاده، خروس زری، پیرهن پری با صدای احمد شاملو و موسیقی بابک بیات، خرگوش و ستاره‌ها از غلامرضا جورکش و خاله ماندگار م. آزاد، از جمله این آثار هستند. هر چند در تولید این آثار نیز به طور خاص، کودک نابینا مدنظر نبوده است.

اما در فرهنگ نابینایان بسیار مؤثر بوده است. مهم‌ترین و مؤثرترین مرکزی که در ایران به روش کاملاً علمی و با استفاده از تجارب جهانی برای کودکان نابینا کار کرد، شورای کتاب کودک بوده است. پروژه «ادبیات کودکان و نوجوانان معلول» در سال ۱۳۶۰ در این مرکز آغاز شد. شورا کتاب همسازی کودکان معلول با جریان زندگی روزمره، را در سال ۱۳۶۳ منتشر کرد. در این کتاب که نوشته اورجایستر، توردیس و به ترجمه ثریا قزل‌ایاغ بود، در خصوص اهمیت کتاب‌های مناسب برای کودکان ویژه (نابینا، ناشنوا، کم‌توان ذهنی، گندخوان و ...) و انواع کتاب‌های بریل، گویا، لمسی و آسان توضیحاتی داده شده است.

تجربه عملی ساخت کتاب برای کودکان ویژه در شورا، در اوایل دهه هفتاد اتفاق افتاد و در سال ۱۳۷۴ نیز گروه کتاب گویا، رسماً در شورا شکل گرفت. نخستین تجربه در این خصوص، به ضبط استودیویی کتاب رسم ما سهم ما اثر مهدخت کشکولی باز می‌گردد که توسط منصوره شجاعی انجام شد. از همان ابتدای کار، در حوزه کتاب گویا، حدود و ثغور کار مشخص شد. به این ترتیب، کتاب گویا در حقیقت نوعی کتابخوانی با صدای بلند است که با امانتداری کامل انجام می‌شود، در واقع گوینده، حکم چشم شنونده را دارد و هر آنچه را به کتاب چاپی و همین‌طور مشخصات ضبط اثر مربوط می‌شود، در نوار قید می‌کند و مشخصات کامل اثر، از جمله مشخصات کتاب‌شناختی، نام سرفصل‌ها، پانویس‌ها، نام گوینده، محل ضبط، تاریخ ضبط و ... نیز در ابتدای کار خوانده می‌شود. در این خصوص، جزو‌ای به نام دستورالعمل ضبط کتاب‌های گویا، توسط ثریا قزل‌ایاغ تهیه شد که در اختیار گویندگان قرار گرفت تا براساس آن، کار ضبط کتاب را انجام دهند. بر این اساس، گوینده متن وظیفه دارد که متن کتاب را بی‌کم و کاست، اما بدون دخالت دادن احساسات خود در آن، با صدای بلند بخواند.

تا کنون بیش از ۱۵۰ عنوان کتاب گویا، برای گروه‌های



پاکستان با آموزش چند ماهه معلولین آنان را تبدیل به مبلغین مؤثر و پرکار می‌کنند. یک نابینا، سه ماهه تمامی قرآن را حفظ می‌شود زیرا حافظه قوی دارند. و پس از آن به عنوان محافظ قرآن و امام جماعت به تبلیغ گمارده می‌شود. متأسفانه حتی حوزه‌های علمیه ایران در این زمینه بسیار ضعیف عمل کرده‌اند و تلقی کاملاً خطایی از معلولین دارند.

دیگر تحولات: در کتاب گویا، تولید آن یک جنبه است و برای کتاب گویا، نیاز به اقدامات دیگر هم هست. متأسفانه در ایران ابعاد کتاب گویا متناسب با هم و در ارتباط با یکدیگر رشد نکرده است. به همین دلیل این پروژه همواره با مشکلاتی مواجه بوده است. فهرست وار به برخی از جوانب مهم کتاب گویا اشاره می‌شود:

۱. اطلاع‌رسانی، نهاد خاصی متکفل اطلاع‌رسانی نبوده است. از اینرو برخی کتب چندبار گویا شده، از طرف دیگر آثار مبرم و ضروری بوده که گویا نشده است. کسانی برای گویاسازی آثاری نمی‌دانند به چه مرجع و مرکزی مراجعه کنند؛ مراکز چه خط‌مشی دارند و کارشان چه کیفیتی دارد؟ پاسخ همه این پرسش‌ها در فرایند اطلاع‌رسانی به دست می‌آید. اما متأسفانه اطلاع‌رسانی در این زمینه بسیار ضعیف است.

۲. نهادهایی مثل کتابخانه ملی ایران که متکفل فهرست‌سازی و مآخذشناسی منابع است، باید برای کتب گویا هر سال فهرست تدوین کند و منتشر نماید. اگر این فهرست‌ها شامل نمودارهای آماری و چکیده‌نویسی باشد کارایی آن مضاعف خواهد شد.

کتابشناسی ملی ایران، از سال ۱۳۷۳، کتاب گویا را به عنوان یک قالب مستقل، در مجموعه آثار منتشر شده در ایران تلقی و کتاب‌های گویا را در هر کتابشناسی، با مشخصات کامل معرفی می‌کند. البته در سال ۱۳۷۴ نیز فهرستگان کتاب‌های گویای ایران منتشر شد. (تعاونی،

سنی مختلف، از پیش‌دبستان تا نوجوان، براساس همین دستورالعمل‌ها توسط گویندگان داوطلب در استودیوهای مختلف ضبط شده است. با وجود آن‌که از همان ابتدا متفاوت بودن کتاب گویا با نوار قصه و نمایش‌نامه رادیویی مشخص شده بود، اما به کار بردن موسیقی در ضبط کتاب‌ها، منافاتی با اصول ضبط کتاب گویا نداشت. بنابراین، متناسب با متن و حال و هوای کتاب، موسیقی به صورت زنده یا از پیش ضبط شده، برای همراهی با متن تهیه یا انتخاب می‌شود. با وجود آن‌که گوینده حق دخالت دادن احساسات خود را حین خواندن اثر ندارد، با کمک موسیقی تا حدودی فضای حسی داستان را منتقل می‌کند و متن نیز با وجود یک گوینده واحد، از حالت یکنواختی خارج می‌شود.

به دلیل رعایت حقوق مؤلف (کپی رایت) هر اثر، از هر کتابی تنها به تعداد محدود و فقط برای نگهداری در کتابخانه گویای مرکز خدمات بهزیستی نابینایان رودکی و نیز آرشیو شورای کتاب کودک و برخی دیگر از نهادها، از جمله کتابخانه فراگیر فدک تولید می‌شود. کتابخانه فراگیر فدک، کتابخانه‌ای است که با همکاری مشترک یونسف، شورای کتاب کودک و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، در سال ۱۳۸۰ تأسیس شد و هدف آن خدمات‌دهی به کلیه کودکان ویژه (نابینا، ناشنوا، کم‌توان ذهنی) بود. در این کتابخانه، اشکال گوناگون کتاب از جمله کتاب‌های پرده‌ای (ناشنوایان)، کتاب‌های آسان (ناشنوایان، کم‌توان ذهنی)، حسی-لمسی (نابینایان)، بریل (نابینایان)، گویا (نابینایان) نگهداری می‌شود. انتخاب و تهیه منابع این کتابخانه، به عهده گروه کتاب ویژه شورای کتاب کودک بوده است.

مبحث دیگر مربوط به توسعه فرهنگ دینی و توسعه فرهنگ فارسی با استفاده از کتاب گویا است. اساساً بدون کتاب گویا فرهنگ ملی یک کشور را نمی‌توان توسعه داد. زیرا بخش عمده فرهنگ شفاهی، فالکور، فکاهیات، ضرب‌المثل و عناصر ادبی است و اینها باید رودرو و شفاهی تعلیم شود.

در بخش تبلیغ و توسعه فرهنگ دینی، سهم و مشارکت معلولین در ایران غایب است. یعنی هنوز ذهنیت و تصور درستی از توانایی‌هایی معلولین در امور توسعه فرهنگ دینی وجود ندارد. با اینکه کلیسا قرن‌ها است از معلولین به عنوان مبلغ دینی استفاده کرده و کارآمدی آنان را آزموده است. حتی وهابیون عربستان در افغانستان و

نقش کتاب گویا در گسترش اشتغال روشندان

رقیه بابایی^۱

اشتغال یکی از بزرگترین چالش‌ها در دنیای امروز و نیز دغدغه اصلی دولت‌ها است. اشتغال با بسیاری متغیرهای منفی و مثبت اجتماعی مثل امنیت، آرامش روانی، بزهکاری و جرم ارتباط دارد. اما وضعیت معلولان و اشتغال آنان از نظر کارشناسان، کاری پیچیده و دارای مشکلات و موانع به حساب می‌آید.

اما به نظر می‌رسد اگر کتاب گویا به کمک اشتغال به کار گرفته شود اشتغال معلولین بهتر و زودتر به نتیجه می‌رسد. اما چگونگی استخدام کتاب گویا در خدمت اشتغال نیاز به بحث و تحلیل دارد که در این مقاله به آن می‌پردازم.

«کتاب گویا» از چند نظر می‌تواند به کمک اشتغال معلول بشتابد: کتاب گویا به عنوان یک شغل پررونق و مورد نیاز، به جذب معلولین پرداخته و برای آنان اشتغال‌زایی می‌شود. دوم اینکه با استفاده از کتاب گویا می‌توان مهارت‌افزایی نمود و با آموزش معلولین، آنها را مهیا برای کار در شغل خاصی نمود. سوم تعمیم گویاسازی به انواع سامانه‌های مدرن و جدید غیر از کتاب.

هدف در این مقاله اینست که کتاب گویا چه نوع ارتباط‌هایی با اشتغال دارد. مشخصاً درصد اثبات این نکته هستم که کتاب گویا با آماده سازی محیط؛ آماده سازی روحی و ذهنی روشندان؛ آماده سازی روشندان از نظر حرفه‌وفن و بالاخره آماده سازی فرهنگ جامعه در ارتباط است. یعنی کتاب گویا سه متغیر محیط، فرهنگ اجتماعی و روحیه و مهارت روشندان را آماده نموده و موجب ارتقای آنها می‌شود. محیطی که روشندان در آنجا قرار است کار کند، باید مناسب سازی شده باشد، با سازه‌های گویایی، روشندان راهنمایی شود. آسانسور و دیگر تجهیزات گویا باشند؛ ابزارها و دستگاههایی که روشندان با آنها سروکار دارد گویا شوند؛ به عبارت دیگر گویاسازی محدود به کتاب نباشد بلکه هر آنچه روشندان با آنها سروکار دارد، گویا شوند.

دوم با انواع آثار گویا می‌توان جامعه را آماده کرد تا اشتغال روشندان را قبول کنند. کارخانه‌دارها و صاحبان حرفه‌ها و فنون را با کمک کتاب گویا می‌توان آماده ساخت؛ فرهنگ و ذهیت آنان را به سوی تعامل صحیح

شیرین (خالقی): فهرستگان کتاب‌های گویای ایران، تهران؛ کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴. این کتابشناسی ۱۰۶۹ کتاب گویا را که در ۱۵ مرکز نگهداری می‌شود، معرفی کرده است.

مشکل اینست که مراکز بسیاری هست که صدها ساعت کتاب گویا کرده‌اند اما چون مجوز نگرفته‌اند در فهرست‌های مزبور نیامده و معرفی نشده‌اند.

۳. نقد کتاب گویا به صورت جریان منظم، دائمی و فراگیر وجود ندارد. به همین دلیل ضوابط و ملاک‌های ارزیابی، اصول نقد و دیگر شاخص‌های نقادی پخته و کامل عرضه نشده است. و چندین دهه است، کتاب گویا بدون تغییر جدی و بدون تحولات اساسی عرضه می‌شود.

۴. تبادل و تعامل سازنده بین جریان گویاسازی در داخل یا نهادهای خارجی وجود نداشته است. و جریان گویاسازی در داخل بدون توجه به پیشرفت‌ها و ابتکارات در جهان مدرن، تداوم داشته است. از اینرو در طی چندین دهه ساختار و سبک یکسان و بدون تغییر چشم‌گیر داشته است. نیز کارشناسان خبره و زبده تربیت نشده‌اند.

مآخذ

«تصویری گویا از کتاب گویا در ایران»، لایلا (رؤیا) مکتبی‌فرد، پژوهشنامه، ش ۴۰، ص ۴۳-۴۹؛ «نشست بررسی کتاب گویا»، خبرگزاری مهر؛ «گفت‌وگو با عوامل تولید کننده کتاب‌های گویا»، خبرگزاری فارس؛ المکتبات الاسلامیة واؤها فی التعلیم، علی بن علی الجهنی، المدینة المنورة، ۱۴۲۵ق، ص ۱۶۷-۱۸۹؛ تاریخ شفاهی نشر ایران، احمدی، احمدرضا، به کوشش عبدالحسین آذرنگ و علی دهباشی، تهران، ققنوس؛ گزارش شورای کتاب کودک به مناسبت ۲۰ سال تلاش ۱۳۴۱-۱۳۶۱، انصاری، نوش‌آفرین، ۱۳۶۱: ۳-۵۰؛ دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، سلطانی، پوری؛ راستین، فروردین، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۹؛ فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، میرهادی، توران، ج ۲، ص ۱۰۷-۱۷۹، ۱۳۷۲؛ المکتبات الجامعیة، احمد بدر و محمد فتحی عبدالهادی، قاهره، دار غریب، ۲۰۰۱م، ص ۱۹۱-۱۹۳.

۱. برای تألیف مقاله حاضر، از مقاله خانم مکتبی‌فرد بسیار استفاده شده و پاره‌ای از مطالب عیناً نقل شده است.

۱. روزنامه نگار معلولین و از مدیران مجله پیک توانا

